

امید کرمانی ها
عصر جام جم

داغ شده و رسانه ها و سیاسيون موضوع این رقابت مهم را به محل بحث خود تبدیل کرده‌اند. در این میان مساله «مشارکت» در انتخابات مهم‌ترین موضوعی است که مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا روزنامه جام جم در کاری مشترک با رادیو گفت و گو برنامه «عصر جام جم» را تولید کرده که مناظره چهره ها از جریانات و گرایش های سیاسی مختلف است و می‌کوشد تا با روشن و شفاف تر کردن فضای انتخاباتی به موضوع مشارکت و حضور مردم در انتخابات کمک کند. در دومین مناظره، سید شهاب‌الدین صدر، عضو هیات عالی و رئیس ستاد انتخابات شورای وحدت در تهران و آقای اسماعیل گرامی‌مقدم، قائم مقام حزب اعتماد ملی و عضو حقیقی جبهه اصلاحات در تحریریه جام جم حضور پیدا کرده و مناظره داغی را انجام دادند. مجری این مناظره مصطفی صادقی، عضو شورای سردبیری روزنامه جام جم بود.



مجری: در دومین برنامه عصر جام جم میزبان آقای دکتر سیدشهاب‌الدین صدر عضو هیات عالی و رئیس ستاد انتخابات شورای وحدت در تهران و آقای اسماعیل گرامی‌مقدم قائم مقام حزب اعتماد ملی و عضو حقیقی جبهه اصلاحات هستیم. صحبت‌ها درباره دربارۀ انتخابات مجلس را از آقای صدر شروع می‌کنیم. رهبر معظم انقلاب از ابتدای اسمال درباره اهمیت مشارکت بالا در انتخابات تأکید فراوانی داشتند. چندنوبت هم در سخنرانی‌های مختلف در این باره مطالبی را بیان کرده‌اند، دامنه سخنان ایشان گسترده بود و نمی‌شد گفت فقط به یک دستگاه مربوط است یا فقط خطاب به مردم بیان می‌شود. آخرین فرمایشات ایشان درباره مردم و حق مردم در انتخابات بود که تکلیف است ولی

حق‌شان هم هست. آیا آن‌چه که تا الان شاهدش هستیم، از همه دستگاه‌ها، چه دولت، چه شورای نگهبان و چه سایر بخش‌ها، واقعا به این سمت بوده است یا خیر؟ صدر: اسمال مقام معظم رهبری در روز نخست فروردین‌ماه در مشهد سخنرانی داشتند و راجع به انتخابات صحبت کردند و گفتند «چهار راهبرد اساسی در ارتباط با انتخابات مورد نظر است؛ سلامت، امنیت، مشارکت و رقابت» و بعد هم در ارتباط با انتخابات با مشارکت بالا تذکراتی را دادند. در سال‌های گذشته معمولاً در اواخر تابستان ایشان به موضوع انتخابات مجلس اشاره می‌کردند و تذکر می‌دادند، ولی این دوره خیلی زودتر نکات مربوط به انتخابات را بیان کردند. من یاد ام است بعضی از دوره‌ها اگر مسئولان یا دیگران بهار و اوایل تابستان درباره انتخابات مجلس صحبتی می‌کردند، ایشان می‌فرمودند «خیلی زود است»، ولی اسمال خیلی زودتر مقام معظم رهبری درباره انتخابات نکاتی را اشاره و بر مشارکت بالا تأکید کردند. شاید علتش این است که این انتخابات به چند دلیل، انتخابات حساسی است.

حوادثی سال گذشته اتفاق افتاد و چالش‌هایی در جامعه مطرح شد که مقداری نگرانی ایجاد کرد. نکته دوم آن‌که یک نگرانی از میزان مشارکت در سراسر کشور وجود دارد. معمولاً مشارکت انتخاباتی در تهران حدود ۵۰ درصد مشارکت کل کشور است، یعنی اگر در نظرسنجی‌ها الان ۳۵-۲۰ درصد مشارکت انتخاباتی تخمین زده می‌شود، تهران حدود ۱۶-۱۵ درصد است که این مقداری ما را نگران می‌کند چون یکی از افتخارات ما این است که همواره انتخابات در کشورمان پرشور برگزار می‌شود و مثل کشورهای دیگر نیستیم. به نظر من آن باسختی را که دستگاه‌های مختلف باید به فرمایشات و رهنمودهای رهبری می‌دادند تا الان به صورت گسترده شاهدش نبودیم. حال آن‌که ایشان دارد این موضوعات را دائماً تذکر می‌دهند و تکرار می‌کنند که هر کسی دنبال اصلاح

امور است، راهش از انتخابات و از صندوق‌های رأی می‌گذرد.

یک اتفاق دیگر هم که اسمال موضوع پیش‌نیت نام بود، یک‌دفعه پیش‌نیت نام مطرح شد و ۴۸ هزار نفر این‌کار انجام دادند. در مرحله بعد عده‌ای شرایط و مدارک لازم را نداشتند و تعداد نامزدها به ۲۱ هزار نفر کاهش پیدا کرد و وقتی در هیات‌های نظارت به بررسی

صلاحیت‌ها رسیدگی شد تعداد نامزدها به ۱۱ هزار نفر رسید. این افرادی که از صحنه انتخابات کنار می‌روند، رد می‌شوند یا به حاشیه می‌روند، مقداری نگران و ناراحت می‌شوند که این مسأله می‌تواند روی مشارکت اثر بگذارد. من فکر می‌کنم باید دستگاه‌های مسئول زمینه سلامت، امنیت و رقابت و مشارکت بالا را بیشتر فراهم می‌کردند.

مجری: آقای گرامی مقدم! پیرامون همین سؤال، مباحث مختلفی مطرح است. درباره اصلاح‌طلبان اگر بخواهیم صریح صحبت کنیم، این است که می‌گویند مسأله اصلاح‌طلبان بیشتر بدنه اجتماعی است. در انتخابات مجلس دهم نیز خیلی از چهره‌ها درصلاحت یا مشمول عدم احراز صلاحیت شدند اما در نهایت فهرست ۳۰ نفره از اصلاح‌طلبان وارد مجلس شد. نمونه دیگر انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ بود. در آن دوره آقای روحانی نامزد اصلاح‌طلبان نبود و براساس نظرسنجی‌ها کمتر از ۵۰ درصد رأی داشت؛ آقای عارف حتی از آقای روحانی در نظرسنجی‌ها پایین‌تر بود ولی بالاخره بدنه اجتماعی اصلاحات آمد، رأی داد و آقای روحانی رئیس‌جمهور شد. بر این اساس واقعا مسأله اصلاح‌طلبان موضوع صلاحیت‌هاست یا این‌که نمی‌توانند بدنه‌شان را اقبال کنند که پای صندوق‌های رأی بیایند؟

گرامی‌مقدم: باید ببینیم مشارکت بالا مدنظر رهبری از چه ضرورتی برخوردار است. رهبری حکمت به خرج دادند و از سر تدبیر از ابتدای اسمال رهنمودهایی را درباره انتخابات مجلس مطرح کردند. الان اتفاقاتی در کشور افتاده که نمی‌توانیم از آنها به همین سادگی عبور کنیم. برای جلوگیری کردن از نارضایتی‌ها-که همیشه در یک نظام سیاسی به‌وجود می‌آید و غیرقابل اجتناب هم هست- تدبیر و برنامه‌ریزی لازم است، چون کامیابی هر نظام سیاسی به پشتوانه مردمی آن است و شکست و نزول و از دست دادن پایگاه اجتماعی هم به پشتوانه مردم برمی‌گردد. حالا مشارکت خودش آیا زمینه‌ای دارد؟ بله، تقدم بر مشارکت، مسأله رقابت است، یعنی اگر رقابت نباشد، مشارکت به‌وجود نمی‌آید. هرچقدر رقابت نزدیک‌تر، مشارکت بالاتر. فرمایش رهبری هم در حقیقت تأکید بر مشارکت و رقابت است. ولی حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی عقب‌تر از فرمایشات رهبری بودند، چون باید خیلی اتفاقات دیگری از شهرورم‌ها می‌افتاد و اکنون دیر است. همین‌طور که ما و نظام

سیاسی دل‌مان مشارکت و کامیابی می‌خواهد، خیلی‌ها هم دنبال این هستند که این اتفاق نیفتد و هزینه و خرج می‌کنند و وقت می‌گذارند. به یک‌باره و آنی ما شاهد این بودیم که مجلس قانون پیش‌نیت نام تصویب کرد. این باید زمینه‌سازی می‌شد، یعنی صحبت می‌شد؛ احزاب و گروه‌ها باید آمادگی ورود به انتخابات را در این قالب می‌داشتند اما آمادگی نداشتند که چگونه وارد انتخابات شوند. ما که در حوزه احزاب هستیم، توجیه‌کردن عناصر سیاسی‌مان به این سادگی نیست که از مردم و فعالان سیاسی بخواهند که نامزد شوند. اگر ناامیدی‌ها و نارضایتی‌ها در سطح مردم به‌وجود آمده، در سطح فعالان سیاسی هم به‌وجود آمده، بنابراین باید رضایت‌شان را جلب کرد اما آن رضایت جلب‌نشده، بر این اساس جبهه‌اصلاحات آن مصوبه را داشت. هر چند من با آن مصوبه مخالف بودم ولی در عین حال مدافع آن مصوبه نیز هستم. در واقع توصیه به ثبت‌نام نکردند. چون نیروها توجیه نبودند بنابراین چاره‌ای جز این مصوبه نداشتند. وقتی این مسأله به‌وجود می‌آید، به هواداران جبهه اصلاحات یا اصلاح‌طلبان هم منتقل می‌شود. آیا صرفاً به دلیل این‌که مردم رغبت ندارند یا علاقه‌شان کم شده یا ناامید شدند و نمی‌خواهند پای صندوق بایند، اصلاح‌طلبان می‌گویند «ما لیست نمی‌دهیم»؟ خیر، چنین چیزی نیست. چون خیلی موارد بوده، مثلاً در انتخابات مجلس

ماراتن لیست‌ها برای بهارستان

گرامی مقدم: شاید با روحانی و لاریجانی ائتلاف کنیم

شهاب‌الدین صدر: شورای وحدت و شورای ائتلاف لیست واحد نمی‌دهند

اصلاح‌طلبان فهرست داده‌اند و مشارکت کردند اما رأی هم نیاورده‌اند. ما الان امکان رقابت نداریم؛ یعنی همان اصلی که گفتیم «رقابت تقدم دارد بر مشارکت» که این اصل هنوز برای ما شکل نگرفته است.

مجری: آقای گرامی‌مقدم. من باز می‌گردم به همان منطق سوالی که مطرح کردم. حرف من این است که در مجلس دهم هم اصلاح‌طلبان می‌گفتند نامزد تأیید صلاحیت شده نداریم اما با یک فهرست ۳۰ نفره وارد مجلس شدند. در ریاست‌جمهوری سال ۹۲ هم اصلاح‌طلبان همین را می‌گفتند. گرامی‌مقدم: آنجا با رغبت و با همه وجود وارد شدیم و توانستیم لیست بدهیم و فهرست هم دادیم. الان در این انتخابات امکان لیست دادن برای ما فراهم نیست. وقتی امکان لیست دادن نیست که نمی‌توانیم ببینیم و از طرفداران‌تان بخواهیم که شرکت کنند، مثلاً به آقای صدر رأی دهند-که شخصاً به ایشان رأی می‌دهم- اما هواداران ما قطعاً نمی‌آیند و رأی نمی‌دهند. واقعیتش این است. حتماً طرفداران آقای صدر هم به ما رأی نمی‌دهند.

مجری: آقای گرامی‌مقدم من هم با شما هم‌نظر هستم که حتماً رقابت باید بیشتر شود و آدم‌های بیشتری باید بیایند اما در مجلس دهم اصلاح‌طلبان فهرستی را در تهران دادند که هیچ‌کس ۳۰ نامزد آن فهرست را نمی‌شناخت اما کل آن فهرست به مجلس راه یافت. پس حضور چهره‌ها در عرصه انتخابات اصل نیست. مسأله اصلی اصلاح‌طلبان بیشتر بدنه اجتماعی‌شان است، یعنی نمی‌توانند بدنه اجتماعی‌شان را قانع به حضور کنند. نکته این است که همیشه اصلاح‌طلبان بدنه‌شان را به مردم تعمیم دادند، مثلاً می‌گویند مردم نمی‌آیند. بعد آن ۱۵-۱۰ میلیونی که می‌آیند را

اصلاً جزو مردم حساب نمی‌کنند. گرامی‌مقدم: اصلاً این‌طور نیست و حتی یک سند تاریخی وجود ندارد. اینها تهمت به اصلاح‌طلبان است. ما سند تاریخی داریم. سال ۹۸ چه اتفاقی افتاد؟ مردم نیامدند. این را که نمی‌توان زیر فرش پنهان کرد اما اصلاح‌طلبان می‌گویند «این باید ترمیم شود و مشارکت بالا بیاید». چگونه؟ راه دارد. راهش این نیست که رقبای ما یا آن کسانی که مخالف حضور ما در صحنه هستند، بگویند «چون طرفداران شما نمی‌آیند، این را به مردم تعمیم می‌دهید». خیر، مردم جلوتر از هواداران، پرچم‌های‌شان پایین است و علاقه‌ای به مشارکت در انتخابات ندارند و به همین دلیل هم عرض کردم دستگاه‌ها دیر شروع کردند. آقای صدر هم به درستی گفتند که حتی به فرمایشات رهبری توجهی نمی‌شود. هرچه ایشان می‌گویند رقابت اما اقدامی را از سوی دستگاه‌های مسئول مشاهده نمی‌کنیم برای رقابت باید چه کار کرد؟ بله، من مثل شما معتقدم مردم حجت دارند و ما را می‌شناسند اما باید نسل جدید فعالان سیاسی بیایند که این نقد هم به جبهه اصلاحات است.

مجری: آقای صدر! آقای گرامی‌مقدم به نکته بسیار مهمی اشاره کردند که اتفاقاً موضوع سؤال دیگر من هم بود. همین الان اگر بخواهیم لیست اصولگرایان را نگاه کنیم، چه شورای وحدت، چه شورای ائتلاف، چه شریان جوانگرایان در مجلس جایگاه خودش را دارد، ولی مجلس جزو جاهایی نیست که بگوییم «باید همه نمایندگان جوان شوند». من شاید جزو چند نفری در کشور هستم که در هر سه قوه بودم. در قوه مجریه، زمان سه وزیر، معاون وزارت بهداشت بودم. در مجلس و در قوه قضاییه هم حضور و مسئولیت داشتم. کارهای اجرایی با کار نمایندگی مجلس تفاوت دارد. کار اجرایی اقتضایش این است که نیروی پرتوان و جوان پای کار بیاید. وقتی نماینده به مجلس وارد می‌شود، باید بر این‌نامۀ داخلی و قانون اساسی مسلط باشد که شاید هفت، هشت ماه تا یک سال طول بکشد تا چنین تسلطی در افراد ایجاد شود، حالا اگر همه نمایندگان جوان باشند، این مسأله مجلس را در کارهایش دچار یک اختلال فنی می‌کند.

صدر: نکته درستی است، یعنی دیگر اختلاف‌نظر بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان وجود ندارد. به طور مسلم بحث جوانگرایان در مجلس جایگاه خودش را دارد، ولی مجلس جزو جاهایی نیست که بگوییم «باید همه نمایندگان جوان شوند». من شاید جزو چند نفری در کشور هستم که در هر سه قوه بودم. در قوه مجریه، زمان سه وزیر، معاون وزارت بهداشت بودم. در مجلس و در قوه قضاییه هم حضور و مسئولیت داشتم. کارهای اجرایی با کار نمایندگی مجلس تفاوت دارد. کار اجرایی اقتضایش این است که نیروی پرتوان و جوان پای کار بیاید. وقتی نماینده به مجلس وارد می‌شود، باید بر این‌نامۀ داخلی و قانون اساسی مسلط باشد که شاید هفت، هشت ماه تا یک سال طول بکشد تا چنین تسلطی در افراد ایجاد شود، حالا اگر همه نمایندگان جوان باشند، این مسأله مجلس را در کارهایش دچار یک اختلال فنی می‌کند.

مقام معظم رهبری فرمودند «مجلس جوانگرا باشد». بعد در یکی از سخنرانی‌ها افزودند «من منظورم این نبود که همه کم‌سن و سال باشند، منظورم این بود که فکر جوان، طرح جوان. افراد کارآموزده حتماً باید در مجلس باشند». مادر این دوره محکم ایستادیم که یک بخش عمده‌ای از لیست تهران و سایر حوزه‌های انتخابیه در کل کشور خانم‌ها و جوان‌ها در اولویت باشند. در سیاست همه فکر می‌کنند بازنشستگی

سیاسی وجود ندارد، یعنی کسی ۹۰ سال یا ۱۰۰ سالش هم باشد، می‌تواند در صحنه باشد اما حتماً باید جوانگرایی باشد، چون فکر و طرح جدید می‌آید و نشاط جدید وارد عرصه می‌شود. مجری: شما در شورای وحدت چنین کاری کردید. صدر: شورای ائتلاف مشککش این است که می‌گوید «ما در تهران ۲۶ تا نماینده داریم و فقط چهار نفر سن‌شان خارج از نصاب قانونی است، بنابراین فقط چهار نفر ظرفیت داریم». مجری: از بخش دوم نظر شما استقبال می‌کنم اما آن توضیح اول شما را قبول ندارم. آقای دکتر لاریجانی مگر آیین‌نامه خوانده بود که رفت و رئیس مجلس شد؟ یا رئیس فعلی مگر آیین‌نامه خوانده بود؟ اما وارد مجلس شدند و اداره کردند.

این منطق به نظر درست نیست که چون دیگری آیین‌نامه بلد نیست و طول می‌کشد که یاد بگیرد پس این را قاعده کنیم که دیگران نامزد نشوند یا در لیست نیایند.

صدر: مدیریت‌های‌شان خیلی فرق می‌کند، چون دوره چهارم و پنجم آقای ناطق، رئیس مجلس بود. دوره هشتم، نهم و دهم علی لاریجانی رئیس بود؛ مدیریت آنها با هم تفاوت داشت. آن چیزی که ما در شاخص‌ها گذاشتیم، این است که تعداد جوان‌ها بالا برود. در کل کشور هم باید همین اتفاق بیفتد که به سمت افراد جوان و پرتوان و با نشاط برویم.

مجری: آقای گرامی‌مقدم در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی که این روزها مطرح است، اعتقاد غالب این است که سیاست در ایران کم رونق شده است که بعضی‌ها از زاویه دیگر تعبیر به ناامیدی می‌کنند. واقعیت آن است که وقتی در ساخت سیاست حرفی با مردم زده نمی‌شود و دو جناح فقط دنبال طرح‌های سیاسی و پیشبرد یک‌سری مسائل سیاسی خودشان هستند، این ذهنیت در جامعه ایجاد می‌شود که «مردم» مسأله سیاسی‌ها نیستند، مثلاً یک فیلمی منتشر شد که عده‌ای جلوی یک نماینده نشسته‌اند و

دارند از ضعف‌ها، چالش‌ها و وضع بدشان می‌گویند اما آن نماینده نشسته و کشمش می‌خورد. این تصویری است از نگاه مردم به سیاستمداران که «از ما رأی می‌گیرند، بعد دنبال کار سیاسی‌شان می‌روند». همین امروز هیچ کسی در مناظره‌های انتخاباتی دغدغه‌اش این نیست که ناترازی‌ها را در

بخش‌های مختلف همچون انرژی، آب و بودجه چطور حل کنیم؟ آیا علت بی‌رونی شدن عرصه سیاست را این مسأله می‌دانید یا خیر؟

گرامی‌مقدم: در دارد سوال قبلی این نکته را اضافه کنم، اصلاح‌طلبان یا هر جریانی دیگر نسبت به جوانگرایی اهتمام ویژه‌ای دارند و حتماً بخشی از لیست‌های‌مان را به جوانان اختصاص دادیم. ولی افراط و تفریط در هر موضوعی غلط است یعنی بالاخره اندیشمندان علم مدیریت نشسته‌اند و می‌گویند «باید به گذشته افراد نگاه کرد و در اعطای مسئولیت، ارشدیت قائل شد؛ همین‌طوری نمی‌شود سرنوشت مردم را تحت عنوان جوانگرایی به افراد بی‌تجربه واگذار کرد. ولی حتماً این پلکان باید ادامه پیدا کند تا به رأس برسد که کشور به لحاظ ساختاری و مدیریتی آسیب نبیند». برخی اصلاح‌طلبان ممکن است بگویند «ما چون چهره نداریم، لیست نمی‌دهیم» این دیدگاه غلطی است و من این را قبول ندارم. چون خیلی از فرمانداران و خونسازان ما الان در استان‌ها هستند و در یک شهرستان چهره محسوب می‌شوند، پس چرا می‌گویند ما چهره نداریم؟ اینجا اشکال نیست، این اتفاقا بهانه‌تراشی است و من این را قبول ندارم، اما از این‌که چقدر اصلاح‌طلبان یا اصولگرایان حرف مردم را نمی‌زنند، این هم غلط است. اما تحولات، به نظرم می‌رسد که دو نوع ما تحول داریم؛ یا تحول از درون به بیرون است، یا تحول از بیرون به درون. امروز اگر چهار تا حزب بخواهند حرف بزنند، مردم گرایش

ندارند. پس باید این پنبه‌ها را هم از گوش‌مان دریاوریم، اگر مشارکت بالا می‌خواهیم. صدر: من یک مدتی خانه احزاب بودم و سران هر سه جناح آنجا حضور داشتند بنابراین با بحث‌هایی که می‌شود آشنا هستم. مردم می‌گویند: «بیرون اصلاح‌طلب و اصولگرا با هم دعوا می‌کنند، آخرش دست به دست می‌کنند، یعنی صبح‌ها با هم دعوا می‌کنند، شب‌ها در عروسی و عزا با همدیگر نشسته‌اند و دارند بگو بخند می‌کنند، پس چه کسی به فکر مشکلات ما است؟» امروز اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و همه کسانی که وفادار به انقلاب هستند باید بگویند «مردم مشکل گرانی، تورم و معیشت دارند، چطور این را حل کنیم؟» نه این‌که

بگویند آقای رئیسی سر کار است، پس وضع مملکت خراب است اما وقتی آقای روحانی آقای خاتمی سر کار بودند، هیچ مشکلی نبود. این را مردم می‌فهمند، یعنی خاستگاه بحث را می‌فهمند. مردم می‌فهمند که اگر یک مشکلی در زمان حکومت گروه «الف» باشد گروه «ب» داد می‌زند اما اگر گروه «ب» سر کار باشد، رفیق‌ها و طرفدارانش چیزی نمی‌گویند. یعنی اگر کسی اختلاسی کرد، اگر کسی مال مردم را بالا کشید، اگر کسی کار خلافی کرد و مملکت را به تباهی کشید، همه دستگاه‌ها و همه گروه‌ها محکم با او برخورد کنند. امروز مثلاً فرض کنید به اسم

پرونده جای دیش مشکلی ایجاد شده، دیگر گروه «الف» و «ب» ندارد، باید همه افراد، همه گروه‌ها، همه مسئولان، همه بخواهند که با متخلف‌اشد برخورد شود، چون این در جامعه امید ایجاد می‌کند اما امروز مردم حالت بی‌اعتمادی دارند که باید برای آن چاره‌اندیشی شود. گروه اصلاح‌طلب و اصولگرا ندارد، یک ناامیدی در آنها القا شده که اینها را باید حل کرد.

مجری: بالاخره باید ببینیم که اهل سیاست از جامعه فاصله گرفته است. برای مثال آقای ایکس که سال‌ها دبیرکل یک حزب اصولگرا یا دبیرکل یک حزب اصلاح‌طلب است، واقعا ایده او برای مهار تورم چیست و دیگر مشکلات مردم چیست؟

گرامی‌مقدم: در این مسأله باید معلول‌ها را ببینیم و از معلول‌ها سخن بگوییم. بخشی از آنها را آقای صدر گفت اما در عین حال ما باید به علت‌ها نیز از زوایای مختلف بپردازیم، چون مردم دارای نیازهای فرهنگی، اجتماعی،

سیاسی و اقتصادی هستند. البته وجه اقتصادی امروز خیلی بیشتر پررنگ است، چون با زندگی مردم درهم‌آمیخته و اکثریت مردم زیر خط «فقر نسبی» هستند. این اصل تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌های غلط است. ریشه سیاست‌ها و اجرای غلط چیست؟ همین که ما اجازه نمی‌دهیم بین‌نخبگان رقابت شود. وقتی دایره رقابت محدود باشد، عملاً نخبگان اصلی و آن کسانی که دارای هوش بالایی هستند کنار گذاشته می‌شوند.

بنابراین سطح حل و فصل مشکلات مردم پایین می‌آید. این طبیعت کار است. رقابت اگر بالا برود، هرکس می‌آید و برنامه‌اش را روی میز می‌گذارد اما امروز ما اصلاح‌طلبان درگیر این هستیم که با ۳۰-۲۰ نفری که تابه‌حال تأیید شدند، چه خاکی بر سرمان کنیم، چطور می‌توانیم از آنها حمایت کنیم؟ اصلاً می‌شود در انتخابات طرفداران‌مان را بیاوریم یا خیر؟ معتقدم حتماً نهاد انتخابات باید حفظ شود.



برای فرستادن متن کامل مناظره کاور کنید اسکن کنید



برای دیدن بخش‌هایی از فیلم مناظره کاور کنید اسکن کنید